

قانون اساسی نباید منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران را تضمین کند

کارگران و زحمتکشان متحد شوید



دوشنبه ۸ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۳

در آستانه برگزاری انتخابات

دولت پاره‌ای از قراردادهای نظامی با آمریکا را ابقاء کرد

ما بارها گفته‌ایم که بدون قطع کامل وابستگی با استقلال نال آمدن و نیز در مقامات متعددی امون اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی نمی‌توان وابستگی نظامی گفته‌ایم که بدون درهم شکستن

ساخت کتونی ارتش، بدون ایجاد یک ارتش خلقی وابستگی نظامی نیز همچنان باقی خواهد ماند زیرا که ارتش موجود از نظر سازمانی آموزش و تسلیحات کاملاً به آمریکا وابسته بقیه در صفحه ۳

پیش نویس قانون اساسی

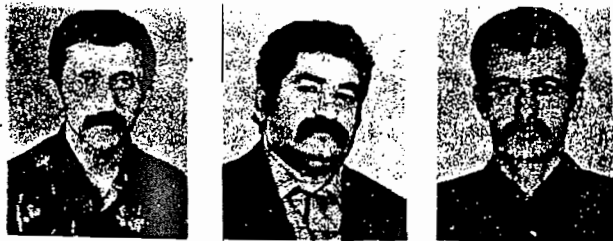
آزادیهای دموکراتیک را پایمال کرده است

تصویب پیش‌نویس موجود پس از یک قیام خونین و دادن دهها هزار شهید نتنگ بزرگی خواهد بود

و نقیضی در نهن ایجاد میشود، زیرا نه موافقان و نه مخالفان آن هیچیک از دیدگاه واحدی با آن موافقت یا مخالفت نمی‌کنند. مثلا در میان مخالفان آزادیهای دموکراتیک، ما از یکسو رژیم گذشته را داریم و بیاد داریم که چگونه عنوان می‌کردند که آزادی همسک غریب برای جامعه ما مناسب نیست و اعتصابات کارگری اروپائی و وجود تودم و برهان اقتصادی در آن کشورها را دلیل می‌آوردند و از سوی دیگر برخی جناح‌های حاکم فعلی را داریم که با دلایل مشابهی «آزادیهای دموکراتیک» را تحت عنوان «عزیزدگی» نفی می‌کنند.

همچنین در میان طرفداران آزادیهای دموکراتیک، از یکسو بورژوازی لیبرال را داریم که تنها برای تقویت خود و گرفتن نقش بیشتر در حاکمیت سیاسی و در نتیجه تقویت هرچه بیشتر سرمایه‌داری وابسته و سلطه امپریالیسم، دم از آزادیهای دموکراتیک می‌زند و در واقع هدف نهائی‌اش از آزادی، رسیدن به «آزادی استعمار» است، و از سوی بقیه در صفحه ۵

وقتی ما از آزادیهای دموکراتیک سخن می‌گوییم بلافاصله برداشتهای مختلف و ضد



بهروز سلیمانی روزبهانی ناصر خاکسار محمدرضا جوشنی املشی

معرفی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان - خوزستان - گیلان و آذربایجان

دکان و پس در معدن سنگ بکار پرداخت. و بعد حین کار در کوره‌ریخته و جاده سازی با معال کارگری و فعالیت سیاسی آشنائی یافت بقیه در صفحه ۶

معرفی کاندیدای کارگران پیشرو نه‌ران

فقط نمایندگان کارگران، زحمتکشان و هواداران آگاه آنها می‌توانند قانون اساسی را آشپز تئوریک کنند که حافظ حقوق مردم باشد.

انقلاب خونین‌مان که از خون هزاران برادر و خواهر کارگر و دیگر زحمتکشان آبیاری شده است تاکنون ثمری برای ما کارگران که اساسی‌ترین نقش را در انقلاب بهمه داشتیم، بیار نیاورده و تئیسری در زندگی مشتت‌بار ما نداده است. ما که ماههای اول بعد از قیام را به علت موقت بودن دولت و اینکه باید سیر انقلابی داشت با همه سختیهای تحمل کردیم متأسفانه امروز می‌بینیم سیر انقلابی ما سبب شده سرمایه‌داران هرچه بیشتر پایبندی خود را از یکدیگر باشند. ولی بلافاصله می‌گوید: ارتباط این سه قوه را بر طبق قانون رئیس جمهور برقرار خواهد کرد

پیش‌نویس قانون اساسی با اختیارات فوق‌العاده‌ای که به رئیس‌جمهور داده است دیکتاتور جدیدی! می‌پروراند

اختیار، که در پیش‌نویس قانون اساسی به رئیس‌جمهور داده شده است و نظراتی که واگذاری چنین اختیاراتی به یک شخص متوجه آزادیهای مردم میکند، موضوع این مقاله است. پیش‌نویس قانون اساسی پس از آنکه در اصل پانزدهم با اصلاح و حق حاکمیت ملی، را از آن همه مردم میدان دراصل شازدهم قوای ناشی از اعمال این باصلاح حق حاکمیت را سه قوه منفه، قضائیه و مجریه ذکر کرده و تأکید میکند که این قوا «باید همیشه مستقل از یکدیگر باشند». ولی بلافاصله می‌گوید: ارتباط این سه قوه را بر طبق قانون رئیس جمهور برقرار خواهد کرد

در همین اصل آشکارا اصل بورژوازی تئوریک قوای ادعائی نویسندگان پیش‌نویس قانون اساسی نقش شده و رئیس‌جمهور بطور مستقیم به پیمان؛ رقرار کردن ارتباط بین «قوه» حق مداخله در هر سه قوه را دارد. و مهمتر آنکه طبق اصل ۷۵ رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی کشور در امور داخلی و روابط بین‌المللی و اجرای قانون اساسی است و تنظیم بقیه در صفحه ۷

شورای سازشکار

«ژنرال موتورز» را افشا کنیم

شورای کارکنان ژنرال موتورز که ملت مایهت سازشکارانه و محافظه‌کارانه خود همیشه نهایت سعی خود را در برقراری صلح و مسالمت بین کارگران و کارفرما معرفی نموده است برنده است بلکه علاوه بر بیان کارگران گام برمی‌دارد. نمایندگانی که بکارگران پشت کردند دیگر در میان آنها اعتباری ندارند بقیه در صفحه ۵

نیروهای سیاسی

باچه موضع و باچه هدفی در انتخابات شرکت می‌کنند

در آستانه تدوین قانون اساسی و پس از گذشت نزدیک پنجاه ماه از قیام پرشکوه بهمن‌ماه خلقهای ایران، سن‌آرایی طبقات و نیروهای سیاسی جامعه در رابطه با قانون اساسی چگونه است و گروهها، سازمانها و احزاب سیاسی که نمایندگان طبقات مختلف جامعه هستند در قبال مجلس به اصلاح خیرگان، انتخابات سایر زحمتکشان میهنان به قدرت دست‌های توانای عویش آگاهی یافته‌اند، شك نیست که تا لحراز واقعی حقوقی که در جریان انقلاب به‌خطر آنها مبارزه کرده‌اند دست از مبارزه بازکنند و هم‌اکنون بر طبقه منافع خلقهای جاسوسان سازمان سیا گروه به ایران بازمی‌گردند. نظامی امپریالیسم آمریکا را که جدیداً به جاسوسان امپریالیسم آمریکا مرتباً به ایران بقیه در صفحه ۷

تا سرمایه‌داری وابسته برقرار است مسئله مسکن زحمتکشان حل نخواهد شد

همه می‌دانیم که ساختمان و صنایع وابسته به آن یکی از بزرگترین بخشهای اقتصادی ایران است و قسمت عمده‌ای از سرمایه‌های انحصاری در آن مشغول به‌کار بوده است. پیش از قیام بهمن ۱۳۵۷، و در واقع از آغاز ۱۳۵۶ فعالیت تولیدی ساختمانی، به علت بحران اقتصادی که پیوسته بالا می‌گرفت، با رکود مواجه شد و همراه با آن صنایع وابسته بقیه در صفحه ۳

سرمقاله: پیش‌نویس قانون اساسی

از مالکیت سرمایه‌داران و انحصارات دفاع می‌کند و حقوق ابتدائی زحمتکشان را نادیده گرفته است

در جامعه سرمایه‌داری که سرمایه‌داران مالک وسائل تولیدند و با تکیه این مالکیت بر وسائل تولید کارگران و زحمتکشان را مورد استثمار قرار میدهند. تمام وسائل سرکوب در خدمت سرمایه‌داران قرار دارد با تا اکتاف به‌طور زور هرگونه صدای حق‌طلبانه تودمهای زحمتکش را در گوف خفه‌کنند. در این جامعه دولت از منافع سرمایه‌داران حمایت می‌کند و ارتش، پلیس، ژاندارمری و غیره برای سرکوب خلق سازمان داده می‌شوند. دادگاه و زندان را برای محاکمه و محکومیت تودمها و مخالفین رژیم سرمایه‌داری بوجود می‌آورند و برای برحق جلوگیری از اعمال خد خلقی خود قوانین وضع می‌کنند تمام قوانین جامعه سرمایه‌داری بنفع استثمارگران و بر طبقه زحمتکشان تنظیم شده است. هر قانونی از منافع طبقات و اقتدار حاکم حمایت می‌کند. قانون کار را در نظر بگیریم که کارگران هر روز با مواد ضدکارگری آن روبرو هستند. در کهای قانون کار دیده شده است که منافع کارگران را در نظر گیرد. بنیاد آن بنفع کارفرما و بر طبقه کارگران تنظیم شده است. قوانین دیگر از جمله قانون اساسی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. قانون اساسی نیز تجلی اراده و منافع طبقات خاصی از جامعه است. قانون اساسی هر کشور نظام اجتماعی و سیاسی آن کشور را که شالوده حفظ و بقاء حاکمیت طبقات حاکمه است، منعکس می‌سازد. بنابراین قانون اساسی هر کشور نشاندهنده مترقی بودن و یا ارتجاعی بودن یک نظام بقیه در صفحه ۳

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سازمان سیا

گروه، گروه به ایران باز می‌گردند

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا و جاسوسان سازمان سیا گروه به ایران بازمی‌گردند. نظامی امپریالیسم آمریکا را که جدیداً به جاسوسان امپریالیسم آمریکا مرتباً به ایران بقیه در صفحه ۷

توطئه ارتجاع در «سرو»

اینکه که خلقهای مبارز ما پیروزی قیام را با خلقی غم و اندوه هزاران شهید چشیدند، اینک که پیش از پیش کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان میهنان به قدرت دست‌های توانای عویش آگاهی یافته‌اند، شك نیست که تا لحراز واقعی حقوقی که در جریان انقلاب به‌خطر آنها مبارزه کرده‌اند دست از مبارزه بازکنند و هم‌اکنون بر طبقه منافع خلقهای جاسوسان سازمان سیا گروه به ایران بازمی‌گردند. نظامی امپریالیسم آمریکا را که جدیداً به جاسوسان امپریالیسم آمریکا مرتباً به ایران بقیه در صفحه ۷

رهنمود به هواداران

از همه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌خواهیم که مواضع سازمان را در قبال «مجلس خبرگان» و پیش‌نویس قانون اساسی و هدف سازمان را از شرکت در انتخابات، در هر فرصتی برای مردم توضیح دهند و فعالیت در انتخابات شرکت کنند

«سازمان چریکهای فدائی خلق ایران» برای دفاع از خواستهای کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان خلقهای ایران کاندیداهای خود را برای مجلس بررسی قانون اساسی در سراسر ایران معرفی می‌کند:

- تهران
 - ۱ - حجت‌الله رئیس - کارگر پالایشگاه تهران - فدائی خلق
 - ۲ - رفیقه دانشگری - فدائی خلق
 - ۳ - مسطی مدنی - فدائی خلق
 - ۴ - مهدی حاج‌قاسمی تهران - کارگران پیشرو
 - آذربایجان شرقی
 - ۱ - نست‌الله محمدی گلپین - کارگر کارخانه خامساز تبریز - فدائی خلق
 - آذربایجان غربی
 - ۱ - محمدانور سلطانی بوکان - معلم - فدائی خلق
 - کردستان
 - ۱ - بهروز سلیمانی - فدائی خلق
 - ۲ - سارم‌الدین مایندوزیری - حقوقدان - سازمانهای سیاسی کردستان
- بقیه در صفحه ۴

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای قیام باشد

بقیه سرمقاله

بقیه از صفحه ۱

پیش نویس قانون اساسی

مالکیت سرمایه داران و انحصارات دفاع می کند و همه حقوق ابتدائی زحمتکشان را نادیده گرفته است

اجتماعی و یک سیستم حکومتی است مثلا در قوانین اساسی کشورهای سوسیالیستی که بازتاب حاکمیت توده های زحمتکش است در هر اصل و هر بند آن منافع کارگران و زحمتکشان در نظر گرفته شده است و آزادیها و حقوق حکمرانان به کامل ترین شکل آن بفتح زحمتکشان تضمین شده است اما در قوانین اساسی کشورهای سرمایه داری قانون اساسی نه بفتح زحمتکشان بلکه بفتح سرمایه داران و همه ثروتمندان تنظیم و تدوین شده است حال پیش نویس قانون اساسی منافع کدام طبقات و اقشار را تضمین می کند و مدافع کدام نظام اجتماعی است. برای پاسخگویی باین سوال از سیستم اقتصادی آغاز می کنیم.

آنچه که در سراسر طرح پیشنهادی قانون اساسی بجهت می خورد حفظ و حرمت نظام طبقاتی موجود یعنی سرمایه داری و وابسته است. نحوه تنظیم قانون اساسی بگونه ای است که خانواده این وابستگی که همانا وابستگی اقتصادی است همچنان دست نخورده باقی بماند. و در هیچ یک از مواد قانون اساسی سخنی که دال بر قطع کامل وابستگی باشد بیان نیامده است. در اصل ۶۰ پیش نویس راه را برای سلفه همجانیه امپریالیسم هوار کرده است. در این اصل نوشته شده است: «دادن امتیاز تشکیل شرکتها و موسسات عمومی و اعطای امتیاز انحصاری در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن از طرف دولت بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است». این درست همان اصلی است که در گذشته نیز رژیم مزدور پهلوی از طریق آن امتیازاتی بی شمار و انحصاری در امور تجاری و صنعتی، کشاورزی و معادن با تصویب مجلس دست نشانده خود به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داده بود. در این اصل، اساس بر این گذاشته شده است که دولت میتواند امتیازات انحصاری به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته بدهد زیرا چه کسانی جز آنها میتوانند چنین امتیازاتی را بگیرند؟ تنظیم کنندگان پیش نویس قانون اساسی بی خیال خودشان راهی برای فریب توده های پیدا کرده اند و در ادامه این اصل می نویسند: «بدون تصویب مجلس شورای ملی ممنوع است. مگر ما شاهد نبوده ایم که در گذشته نیز مجلس که می بایستی چنین امتیازاتی را تصویب کند یا نکنند. همه قراردادهای اسارت بار و امتیازات انحصاری به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته را تصویب کرده این لفظ سرپوشی است برای فریب توده های مردم. بنظر ما لفتها دولت بلکه مجلس و هر مقام و یا نهاد دیگری حق ندارد یک چنین امتیازاتی بکسی بدهد. اساسا صنایع، معادن، ... باید همگی ملی باشند اما این اصل لفتها حق مالکیت نامشود را برسمیت شناخته و بر آن مهر تایید زده است بلکه سرمایه گذارهای خارجی و حرکت آنها را در غارت میهن ما مجاز دانسته است و راه را کاملا برای ادامه استثمار زحمتکشان میهن ما توسط سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران وابسته داخلی هوار کرده است و در اصول دیگر با برسمیت شناختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید که همانا دفاع از مالکیت سرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی است. ماهیت این قانون اساسی بوضوح افشا شده است. در هیچ جای این قانون اساسی منافع زحمتکشان

پیش نویس قانون اساسی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید را مقدس و محترم می داند. در اصل ۲۷ فصل پنجم قانون اساسی نوشته شده است «مالکیت خصوصی در صنایع، کشاورزی، و یا بازرگانی در صورتیکه وسیله ضرر یا تجاوز بامنافع عمومی شود، ملی اعلام می گردد». در این اصل مالکیت ثروتمندان بفرط آنکه وسیله ضرر یا تجاوز بامنافع عمومی نشود برسمیت شناخته شده است. ما سوال می کنیم که آیا سرمایه داران و تمام ثروتمندان که صاحبان صنایع، املاک، و ... هستند این ثروت خود را بجهت برتری بستم آورده اند؟ آیا جز اینست که از طریق استثمار و غارت خلق، از طریق دزدی و غارت ثروت ملی؟ مالکیت سرمایه دار بر کارخانه که اینک قانون اساسی آنرا مقدس میداند، دفاع از منافع ثروتمندان محسوب می شود. زیرا ثروت سرمایه داران نتیجه استثمار کارگر است و این سرمایه از خون و عرق کارگر برست آمده است. زمین داران بزرگ نیز ثروت خود را از طریق استثمار و ستم روا داشتن بر کارگران و دهقانان بستم آورده اند. در این اصل مالکیت خصوصی محترم شناخته شده است مگر وقتی که وسیله ضرر یا تجاوز بامنافع عمومی شود مسئله ای که در اینجا باز پیش می آید اینست که چه کسی و چگونه میتواند این اصطلاح «ضرر» را تشخیص دهد؟ سرمایه دارانی که قانون اساسی از منافع و حاکمیت آنها دفاع می کند یا زحمتکشان؟

منافع ملی از دیدگاه سرمایه داران حفظ منافع سرمایه داران است. آنها منافع ملی از دیدگاه زحمتکشان تامین منافع زحمتکشان است. منافع این دو طبقه اساسا متضاد است و هیچگاه منافع استثمارگران و استثمار شونده گان نمی تواند یکی باشد. از نظر سرمایه داران زسان برسانند بطناف ملی یعنی تامین سودهای آنان از طریق استثمار کارگران و زحمتکشان. همینک یباید داریم که شاه نیز سرمایه گذارهای خارجی و سرازیر کردن سودهای کلان بجهت سرمایه داران داخلی و خارجی را منافع ملی و خدمت به آن قلمداد می کرد. بنابراین بدین اینچا نیز این ثروتمندان هستند که تشخیص «ضرر» بعهده آنها گذاشته شده است.

در این اصل صراحتا مالکیت خصوصی بدون هیچ حد و مرزی و بدون هیچ محدودیتی محترم شمرده شده است.

در اصل ۲۱ فصل پنجم پیش نویس قانون اساسی نیز بوضوح ماهیت آن افشا شده است و بروشنی نشان می دهد که سیستم اقتصادی که در قانون اساسی ارائه شده مبتنی بر مالکیت سرمایه داری است و برای حفظ منافع سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم تنظیم شده است. در این اصل نوشته شده است:

«هیچ ملکی را نمی توان به عنوان به عنوان نیاز عمومی از صاحبش گرفت مگر با تصویب قانون و پرداخت قیمت عادلانه»

این اصل بیان عریان و پوست کنده آن سیستم اقتصادی است که قانون اساسی برای حفظ و حرمت از آن تنظیم شده است. بر طبق اصولی که ذکر کردیم تکلیف کارگران، دهقانان و زحمتکشان روشن می شود. از این پس بر طبق این قانون اساسی صاحبان کارخانه ها، زمینداران بزرگ امپریالیستها و همه دزدان و غارتگران نگرانیها از میان می رود و قانون اساسی به آنها حق میدهد که مانند گذشته با استثمار توده های زحمتکش ما بپردازند زیرا که برسمیت شناختن مالکیت آنها بر وسائل تولید همانا پایمال کردن منافع زحمتکشان جامعه است.

برسمیت شناختن مالکیت خصوصی بدون هیچ حد و مرز همانا ادامه وضع گذشته است با رنگ و لعاب تازه.

روشن تر بگوییم: قانون اساسی جدید تثبیت و دفاع از سرمایه داری وابسته است در شرایط جدید می بینیم که پیش نویس قانون اساسی نتیجه مبارزات ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری و وابسته توده های مردم را منعکس نمی کند. آن قانون اساسی بقایای تودهای مردم است که حاصل آن بر علیه امپریالیستها، سرمایه داران وابسته، بقایای تودهای و بفتح کارگران، دهقانان، پیشووران و کتب و خلقهای تحت ستم میهن ما تنظیم شده باشد و از منافع آنها دفاع کند.

کارگران سخن میگویند:

سخنان رفقای کارگر درباره مجلس خبرگان و قانون اساسی

قانون را اینور و آنور بکنند و بگویند چندانکه هم بکنیم این اپورتونیزم است. ما این را از اساس و بنیان رد می کنیم. در کشورهای دیگر هم زد می کنیم. تفاوت از زمین تا آسمان است. رفقا. باز این دلیل نمیشود که فردا ما دوباره اگر قرار بود یک مجلس دیگر هم تشکیل داده بشود در آن شرکت کنیم. هیچ چنین چیزی نیست. باز شرایط مشخص را تحلیل می کنیم. امکان را نگاه می کنیم. ببینیم این چه جور جایی هست. چقدر امکان داریم. طبقه کارگر در چه وضعی است. موفقیت جامعه چه، اصلا حالا موقع مجلس رفتن هست...»

نگذارند ما توی تلوویزیون صحبت کنیم. آنها بیشتر خودشان را افشا کرده اند ما از این صافه بعنوان ملای بر ضد خودشان استفاده می کنیم. می زنیم توی سرشون. اگر تظاهرات ما را بخواهند سرکوب کنند یا با آن برخورد کنند ما مجبوریم طرق جدیدی در پیش بگیریم. باز ماهیت فاشیستی آنها را افشا کنیم. ما مجبوریم از تمام امکانات مادام که وجود دارد استفاده می کنیم. این اصل است. تا وقتی که وجود دارد استفاده می کنیم. وقتی که وجود نداشته، که نیست...»

«... اگر ما شرکت نکنیم. چه کسی عوالت توده های مردم را که در قانون اساسی مطرح نشده است، افشا خواهد کرد. ما این سکورا خالی کنیم. این چند کلمه حرفی را که می نویسیم بزنیم؟ کسی از حقوق خلقها باید دفاع کند؟ کسی ماهیت رژیم جدید را افشا کند. ما انصاف می کنیم که این کار را داریم می کنیم. یک وقتی ما اسلحه بدست گرفتیم و به یادگانه ها حمله کردیم و باید می کردیم... تحلیل مشخص را نباید از یاد ببریم به این دلیل است که ما باید اینجا برویم تا آنها را افشا کنیم و اگر

در آستانه برگزاری انتخابات

دولت پاره های از قراردادهای نظامی

وابستگی هر چه بیشتر پیش می رود، این اسناد نشان می دهد که دولت لانتها هیچ گامی بر مبارزه بر علیه امپریالیسم و قطع کامل

است. اسنادی که اکنون منتشر می شود بیانگر این واقعیت است که دولت با ابقاء پاره های از قراردادهای نظامی با آمریکا عملا در جهت

دولت پاره های از قراردادهای نظامی ...
جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
شماره: ۱۳۵۸/۲۲
تاریخ: ۱۳۵۸/۲۲
موضوع: اعلام قراردادها و اسناد نظامی
این سند شامل موارد زیر است:
۱- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۲- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۳- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۴- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۵- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۶- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۷- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۸- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۹- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲
۱۰- اعلام قراردادها و اسناد نظامی مورخه ۱۳۵۸/۲۲

رفقا و هموطنان مبارز

پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.
تهران - بلوار کشاورز، خیابان دهکده (میکه سابق) - ستاد ناسازمان چریکهای فدائی خلق ایران.
تلفن: ۶۵۸۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۴ الی ۸ صبح)
آدرس بانکی - تهران، بانک ملی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۹۸
بنام عباس فضیلت کلام.
از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم پیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است، مستقیما برای ستاد ارسال دارند.
شماره حساب احوال - ۳۹۹۲ -
بانک تهران شعبه مرکز
محمد ابراهیم اکبری

دولت پاکستان بیش از ۱۲۵ تن از کارگران اعتصابی را زخمی و دستگیر کرده است

روز ۱۹ تیرماه ۵۸ بیش از ۴۵ تن در برخوردی خشن و آزار آمیز که بین پلیس پاکستان و کارگران اعتصابی کراچی رخ داد زخمی شدند. کارگران به عنوان اعتراض به سیاستهای اقتصادی دولت نظامی ژنرال شدند.
بیاد آوریم قبل از قیام و هنگام قیام را. این توده های میلیونی مردم تحت ستم بودند که سبب آسایش آنها می ریختند. این کارگران بودند که با اعتصابات خود اقتصاد رژیم را درهم ریختند. این زحمتکشان شهر و روستا بودند که پیگیرانه در مبارزه مرگ و زندگی شرکت کردند و بسوی مراکز سرکوب و ستم یعنی کلاشیکها، پادگانها، ژاندارمریها، شعبه های ساواک و غیره هجوم بردند و با قهر انقلابی خود، با قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را دربرنگون کردند. در آن زمان شمارهای مردم باواگونی رژیم سلطنتی محدود نمی شد. توده های مردم بر علیه رژیم دیکتاتوری سلطنتی و امپریالیسم شعار میدادند. توده های مردم در این آرزو بودند که با واژگونی رژیم سلطنتی، سلفه امپریالیسم نیز قطع شود و تغییراتی باینکه در زندگی آنها پدید آید. آنها امید داشتند که دیگر پس از انقلاب نگران بیکاری گرسنگی و فقر نباشند. دیگر غنای سرمایه داران زمیندار مفت خور روز الوصف خون آنها را نمکند و محصول کار و کوشش توده ها بفرودمان خلق گیرد، آزادیها و حقوق حکمرانان آنها تضمین شود. اما واقعیت این است که در پیش نویس قانون اساسی خواستها، تمایلات و آرزوهای مردم پایمال شده است. این قانون اساسی لانتها خواستهای توده های زحمتکش را تامین نمی کند. لانتها محوای ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و ضد سرمایه داری توده های مردم در آن منعکس شده نیست. و لانتها حفظ دست آورده های قیام مسرمد را تضمین نمی کند بلکه بالعکس با صراحت هر چه تمام تر خدمت سرمایه داران و اعوان و انصار آنها، و در خدمت امپریالیستهاست.

ما خواهان تساوی کامل حقوق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زنان با مردان هستیم

تحصن کارگران چای سیاهکل

سیاهکل - کارگران کارخانه «چای منتصر» سیاهکل بخاطر بی‌توجهی کارفرما بهخواست هایشان در تاریخ ۲۲ تیرماه ۵۸ در محل این کارخانه تحصن شدند. کارگران چای که با حقوق ناچیز از نخستین ساعات بامداد تا آخرین ساعات شب فعالیت می‌کنند ضمن افشای کارفرما و اعمال شد کارگری او خواستهای خود را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افزایش میزان دستزد مطابق با افزایش هزینه زندگی
- ۲- پرداخت حق مسکن، خواربار و حق اولاد و ایاب و نهاب.
- ۳- کاهش ساعات کار روزانه بهشت ساعت و پرداخت دوبرابر دستزد برای اضافه کاری و جای حمایت شود.

۴- بازگرداندن مالیاتی که بابت حق بیمه کم کرده اند از کسایه بیمه شده یا از دفترچه بیمه استفاده نکرده اند.

۵- پرداخت حقوق روزهای جمعه و تعطیلات رسمی و در صورت کارکردن پرداخت دوبرابر دستزد و ۵- چهارم اضافه کاری.

۶- تهیه لباس کار و تامین وسایل بهداشتی و رفاهی از قبیل آب آشامیدنی، حمام و غیره.

کارگران چای سیاهکل ضمن اعلام هیبتگی با مبارزات کارگران در سطح کشور از نیرو-های مترقی خواستند از خواستهای آنها و سایر کارگران چای کار شمال و کارخانه‌های چای حمایت شود.

خواستهای کارگران خانه‌های سازمانی صنایع گسترش تبریز

ما کارگران خانه‌های سازمانی صنایع گسترش مدت ۹ سال است که برای این سازمان کار می‌کنیم و هنوز رسمی نشده‌ایم. در طول مدت ۹ سال ما مانند دیگر رفکار کرده‌اند. آنها برای بهره‌کشی هرچه بیشتر از ما برای اینکه بتوانیم از مزایای کارگران صنایع گسترش بهره‌مند گردیم، با رسمی شدن ما موافقت نکرده‌اند و علاوه بر این با بهره‌کشی‌های گوناگون و (دلال) را دارند هر دو سال یکبار قرارداد خود را با سازمان گسترش تجدید میکنند پس می‌بندند.

تا به امروز در خانه‌های سازمان گسترش برای شرکت‌های کاپر-تریبری و تاناباب کار کرده‌ایم و تا شش روز دیگر که مدت قرارداد صنایع گسترش با شرکت تاپ شاپ تمام می‌شود، ما دوباره به‌منوال همان گذشته کارگذاشته خواهیم شد.

با وجود اینکه بارها به مقامات مختلف شکایت کرده‌ایم ولی هیچ‌گونه جوابی به ما داده نشده است. اخیراً نیز بعد از قیام شکوهمند بوده‌ها با این امید که دیگر وضع عوض شده است ضمن مراجعه به مدیر عامل شرکت صنایع گسترش در تهران مشکل خود را با وی در میان گذاشتیم. جواب وی در مقابل خواست ما چنین بود:

«۷۵ هزار کارگر بیکار داریم، شما ۱۵۰ نفر هم رویش».

ما اعلام می‌کنیم که دیگر بایستی هیچ واسطه‌ای بین ما و صنایع گسترش وجود نداشته باشد. این امر علاوه بر اینکه موجب تلف شدن بودجه مملکت و سوء استفاده وسیع شرکت‌های واسطه می‌گردد، همچنین تاکنون

کار در هفته، تطبیق پنجشنبه‌ها، تخصیص دو ساعت از وقت کار برای تشکیل هر مجمع عمومی. در تاریخ ۲۳ تیر مدیر عامل کارخانه نماینده‌ای را جهت مذاکره به‌سزده کارگران فرستاد ولی او نیز خواستهای کارگران را غیرقابل قبول دانست و به این ترتیب جلوگیری از خروج کالا همچنان ادامه دارد.

خواستهای دیگر کارگران «نیرو و تابلو» عبارتست از: دادن یک نوبت غذای روزانه، افزایش حقوق کارگران بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل و نظرات شورا و تأیید شورا و مجمع عمومی کارگران.

توضیح در مورد خانه‌های پولادشهر ذوب آهن

اسفهان - در مورد خبر مربوط به خانه‌های پولادشهر اسفهان مندرج در شماره ۱۸ کار توضیح زیر از طرف چند تن از کارگران در اختیار ما قرار گرفت.

«برای واگذاری خانه‌های پولادشهر به کارکنان ذوب آهن می‌بایستی خاصی در نظر گرفته شده است. پیش از افراد که در شهر دارای خانه می‌باشند تعدادی از این خانه‌ها را گرفته‌اند و عمل آنها موجب شده گروهی از کارگران که نامشان در لیست نوبت تحویل خانه بوده از حق خود محروم شوند. شورای رفاهی کارکنان ذوب آهن با انتشار «فرم تقاضای مسکن» که در اوایل سال جاری منتشر کرد، از متقاضیان ثبت نام بعمل آورده ر کارگران تلاش می‌کنند تا آنها را به‌کسایه نیاز واقعی دارند داده شود.»

کارگران از خروج کالا جلوگیری می‌کنند تا رسیدن به تمامی خواستهایشان

رشت - شورای کارگران کارخانه «نیرو و تابلو» واقع در شهر صنعتی رشت که در تاریخ ۲۸ مرداد ۵۸ به منظور رسیدن به خواستهای خود خروج کالا از کارخانه را متوقف کرده‌اند. همچنان مبارزه علیه کارفرما ادامه می‌دهند. کارفرما پس از ویرود شدن با حرکت یکبارچه کارگران حاضر به مذاکره با آنها شد ولی در تاریخ ۲۸ مرداد اعلام کرد نمی‌تواند خواستهای آنها را بپذیرد. کارگران که همچنان از خروج کالا جلوگیری می‌کنند تصمیم گرفتند قسمتی از خواستهای خود را به‌مرحله اجرا بزنند و از آن جمله است تثبیت ۲۵ ساعت

کار در هفته، تطبیق پنجشنبه‌ها، تخصیص دو ساعت از وقت کار برای تشکیل هر مجمع عمومی. در تاریخ ۲۳ تیر مدیر عامل کارخانه نماینده‌ای را جهت مذاکره به‌سزده کارگران فرستاد ولی او نیز خواستهای کارگران را غیرقابل قبول دانست و به این ترتیب جلوگیری از خروج کالا همچنان ادامه دارد.

خواستهای دیگر کارگران «نیرو و تابلو» عبارتست از: دادن یک نوبت غذای روزانه، افزایش حقوق کارگران بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل و نظرات شورا و تأیید شورا و مجمع عمومی کارگران.



پرده از توطئه

سرمایه‌دار کارخانه ارج برداشته شد

تهران - روزشنبه ۲۳ تیرماه هنگامیکه کارگران کارخانه ارج در تطبیق تاسیساتی بودند و تنها تعداد کمی از کارگران قسمت خدمات در کارخانه بودند یکی از سرمایه‌داران کارخانه بنام «امیر سردازی» که در شن نماینده «ارج» سرمایه‌دار عمده کارخانه ارج است از فرست استفاده می‌کند و در شرایطی مشکوک سهامداران را در کارخانه جمع می‌کند. وی با دیدن در روز شنبه ۲۶ تیر در کارخانه جلسه‌ای خصوصی تشکیل می‌دهد و سعی در ابتدا از ورود اعضای شورای کارخانه که در محل بودند به‌جمله چلو-گیری می‌کند. اما چون با مقاومت آنها روبرو می‌شود آنها را نیز به‌جمله فرا می‌خواند. وی در این جلسه اقدام به شروع انتخابات هیات مدیره می‌کند و حتی یکی از حاضرین کارگر را به‌منوان بازرگ کارخانه همین‌همی می‌کند. یکی از کارگران مبارز که در این جلسه حضور داشته و با این اقدام توطئه آمیز روبرو می‌شود اعتراض می‌کند و می‌گوید ما نمی‌توانیم بدون حضور ۲۵۰۰ کارگر هیچگونه انتخاباتی انجام ندهیم. اعتراض و افشاگری این کارگر سبب می‌شود که جلسه به‌هم بخورد و پرده از توطئه‌ای که بوسیله کارفرما و عوامل او در شرف وقوع بود، برداشته شود.

خبرهای کوتاه کارگری

تبریز - ۶۵۰ کارگر اداره راه و ترابری استان آذربایجان شرقی که مدت سهاه است در جاده تبریز - زرقان با سختی و تحمل گرمای طاقت‌فرسا کار می‌کنند، از جانب استاندار تهدید به اخراج شدند. علت اخراج این کارگران که روزانه ۵۵ تومان حقوق می‌گیرند مشخص نشده. کارگران در برابر تهدید استاندار ایستادگی کرده و گفته‌اند همچنان به کار ادامه می‌دهند.

اهواز - کارگران و رانندگان پیماسی شرکت حمل و نقل حاج‌نورین (پیماسانکار شرکت نفت در اهواز) بخاطر نپرداختن حقوق و رسی شدن و عدم پرداخت هزینه مسکن و فوق‌العاده ویژه دست از کار کشیدند و مانع

سزدهت (کردستان) - کارگران کسوره بزخانه «تلان» از ۵۸۴۲۷۰ بخاطر اضافه دستزد، تامین بهداشت محیط کار و وسایل ایمنی اعتصاب کردند و پس در فرمانداری متحصن شدند. حرکت کارگران را شورای کارگری که قبلاً تشکیل شده بود رهبری می‌کند. کارگران موفق شدند به‌قسمتی از خواستهای خود برسند و به‌همین دلیل پسر کار بازگشتند.

خروج ۷۰۰ اتومبیل شرکت شدند. کارفرما پس از مواجه شدن با اعتراض یکبارچه کارگران تعلیم شد و با بخشی از خواستهای آنها موافقت کرد.

تاسرمایه داری وابسته برقرار است...

بیروشان مشغول نقل و انتقال دادن دارایی‌های آنان هستند، و خود نیز از این راه سودهای کلان می‌برند. تردیدی نیست که سیاست اخیر دولت درباره وام مسکن نتیجه‌ای جز انتقال سریعتر و بیشتر ثروت چپاول شده مردم ایران به‌خارج ندارد. حتی اگر، به‌فرض محال، دولت بازرگان بتواند در راهی که می‌گزینه، در پیش دارد موفق شود، بازهم «موفقیتی» جز در سامان دادن به اقتصاد وابسته نیست.

آنگاه که بانکها ملی اعلام شد گفتیم که این سیاست را تنها در صورتی می‌توانیم ملی شدن بدانیم که بانکها نه در خدمت صنایع و سرمایه‌های وابسته، بلکه در خدمت نیازهای واقعی مردم باشند. اکنون می‌بینیم که اگر از خدمتگزاران مؤسسات اعتباری گوش‌وآکیانان به‌سرمایه‌داری وابسته گشته است «بانک ملی» به‌همانگونه که در گذشته بانک‌رهنی بود به خدمت این سرمایه‌داران درآمده است. مابین سیاست را نشانه محرز آن می‌دانیم که به‌بانکها ملی شده است و نه دولت سیاسی براساس ملی برای تامین مسکن زحمتکشان ایران دنبال می‌کند.

داری وابسته است. اما از قرار معلوم مشاوران اقتصادی آقای بازرگان درس اقتصاد بخورد در حد کتابهای مقدماتی اقتصاد پوزروالی هم بلد نیستند و حتی در همان چهارچوبی که می‌خواهند نمی‌توانند پیش روند. با این که می‌دانند چه می‌کنند ولی بروی خود نمی‌آورند. موفقیت این طرح در جهتی که مورد نظر آقای بازرگان است تنها در این حد است که برخی از خانه‌های فروش زفته به‌محدود افرادی که هنوز هم پس‌اندازی برای آنان باقی مانده و هنوز هم درآمدی دارند که بتوانند قسطهای وام را بپردازند فروخته شود و سرمایه‌داران سازو بفرش سودشان را نقد کنند اما زهی خیال باطل که این سرمایه‌داران بخواهند در شرایط کنونی در کار ساختمان سرمایه‌گذاری کنند.

دولت بازرگان یکبار پیش از این هم چنین سیاستی را درباره صنایع در پیش گرفت و ۵۰ میلیارد ریال اعتبار برای صنایع فراهم آورد. اما مثل این که آقای بازرگان نمی‌خواهد بپذیرد که سرمایه‌داری وابسته چه خصوصیتی دارد. سرمایه‌دار دل به‌آب و خالک و مردم و وطن نمی‌بندد. آنچه برای او مطرح است انتظار سود است و برای سرمایه‌دار وابسته انتظار سود در گردش جهانی سرمایه مطرح است. تا هنگامی که مردم مبارز ایران یکبارچه برای بیرون راندن امپریالیستها و عوامل داخلی آنها مبارزه می‌کنند، و هدفی کمتر از محو کامل سلطه امپریالیسم را در مقابل حرکت انقلابی خود نمی‌بینند، سرمایه‌داران انحصاری داخلی و خارجی دست به سرمایه‌گذاری نخواهند زد.

به آن نیز دچار وقفه شدند. رژیم وابسته گشته توانست با هیچ شگردی با این بحران مقابله کند. قیام پرشکوه مردم ایران علیه امپریالیسم داخلی و خارجی چرخهای اقتصاد وابسته ایران را از حرکت بازایستاد. دولت بازرگان بدون آن که بتواند تفسیری اساسی در تولید اجتماعی جامعه ما ایجاد کند و اقدامی در جهت کوتاه کردن دستهای سرمایه‌داران انحصاری داخلی و خارجی انجام دهد دیگر بار می‌خواهد همان چرخها را به‌حرکت درآورد.

اکنون که چند صد هزار واحد مسکونی تنها در تهران خالی و بدون مشتری افتاده است، چون کسی نیست که توانایی خرید آنها را به‌قیمتهای انحصاری سرمایه‌آور داشته باشد، دولت می‌خواهد بفرمدم وام بدهد تا این خانه‌ها را از روی دست صاحبان آنها بردارد. به این امید که رونقی که به‌بین ترتیب در بازار ساختمان وجود می‌آید به‌صنعت ساختمان و صنایع وابسته به آن رونق بخشد. در ماده الف-۷ آمده است: «در ساختمان‌های مورد خرید حداکثر پنج سال از تاریخ گواهی پایان کار» باشد یعنی این که این وامها باید اختصاصاً برای خرید ساختمانهای مصرفی شود که در همین چند سال گذشته ساخته شده و سرمایه‌داران مالک نتوانسته‌اند آنها را بفروشند.

گفته از این، «بانک ملی ایران» به‌سازندگان واحدهای مسکونی (تا یکصد واحد) وام می‌دهد. وامی که برخیزید قابل انتقال است. این سیاست جدید دولت بازرگان برای «تامین مسکن» برای مردم جامعه است. رژیم گذشته نیز دست همین سیاست را دنبال می‌کرد، تنها با این تفاوت که اکنون دولت بازرگان به‌جای ۹ تا ۱۱ درصد بهره‌روم ۶ تا ۸ درصد بهره می‌گیرد. به‌تایید دیگر بانک دولتی «ملی ایران» حاضر شده است، در مقایسه با نرخ بهره بانکها در گذشته در حدود ۳ درصد از بهره‌خود چشم پوشی کند تا سرمایه‌داران سازو بفروش جویند خانه‌ها و آپارتمانهایشان را که به‌خریدار مانده است بفروشند و بازهم خانه بسازند و بخواهند بفروشند تا بازهم سود ببرند خوب می‌دانیم که این سیاست، در واقع، به‌درجهت تامین مسکن برای زحمتکشان، بلکه تثبیت شرایط مناسب برای تحکیم و رشد سرمایه

فقط با قطع کامل وابستگی به امپریالیسم است که می‌توان صنایع، بانکها و شرکتهای وابسته را ملی کرد

بقیه از صفحه ۱

معرفی کاندیدای کارگران ...

محکم کنند و قوانین و حرکات شد کارگری روز بروز بیشتر شود. علت این وضعیت گذشته از اینکه در ماهیت دولت سرمایه دار نهفته است از ضعف خود ما کارگران نیز ریشه میگیرد. نداشتن آگاهی سیاسی و طبقاتی و همچنین نداشتن وحدت و تنگنای باعث شده هیچ سهمی از انقلابی که پایهایش برپوشش ما بوده، نصیب ما نشود. و این برای چندمین بار است که نمره انقلاب زحمتکشان، نصیب استثمارگران شده است. برای رهایی از این زندگی فلاکت‌بار امروز ما باید به هر طریقی که ممکن باشد، دستفروشی و ناتوانی گذشته خود را جبران کنیم. شرکت در مجلس خبرگان که بجای مجلس موسسان بر ما زحمتکشان تحمیل شده یکی از این راهها است. البته ممکن است این سؤال پیش آید که ما چرا باید در مجلس که تمثیلی است شرکت کنیم ولی جواب روشن است ما باید با شرکت در این مجلس ماهیت قوانین شد کارگری را برای برادران و خواهران خود افشا کنیم. ما باید به همگان نشان دهیم که سرمایه‌داران چگونه با تصویب قوانین ارتجاعی و ضد کارگری در پی بند کشیدن هر چه بیشتر کارگران و دهقانان و زحمتکشان میباشند.

کارگران پیشرو تهران

قانون اساسی و انتظارات کارگران و زحمتکشان از آن

قانون اساسی از طریق نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان.
۱۵- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که بین زن کارگر و مرد کارگر تمییز قائل می‌شوند.
۱۶- اخراج کلیه عناصر ضد کارگر از محیط کار.
۱۷- افزایش دستمزد، متناسب با هزینه زندگی و درآمد کشور.
۱۸- اجرای ۲۵ ساعت کار در هفته و یکماه مرخصی درسال.
۱۹- آموزش رایگان برای خانواده کلیه کارگران و زحمتکشان.
۲۰- ایجاد شوراهای کارگاه و مهد کودک در جوار کارخانه، تسهیلات لازم برای زنان باردار در محیط کار، استفاده از ۳ ماه مرخصی برای زایمان زنان کارگر و لغو شب‌کاری برای زنان.
۲۱- بیمه واقعی کارگران در مقابل حوادث، نقض عضو و... در محیط کار.
۲۲- لغو قانون بازتنگی قدیم و تصویب قانون جدید بازتنگی با دخالت مستقیم نمایندگان کارگران.
۲۳- ایجاد تسهیلات لازم (کلاس بیکار با بیسواری، کتابخانه، فیلم و...) جهت آموزش کارگران.
کارگران پیشرو تهران ۵۸۵۵۴

اکنون که مسئله قانون اساسی مطرح است اعلام می‌کنیم که فقط نمایندگان کارگران، زحمتکشان و هواداران آگاه آنها می‌توانند آئینان قانون اساسی را تهیه و تنظیم کنند که منافع اکثریت مردم را در نظر گرفته باشد. از این رو ما خواستهای کارگران و زحمتکشان را در این مقاله می‌نویسیم و مستقیم که قانون اساسی باید آنچنان باشد که بتواند این انتظارات را تضمین کند والا هرگونه قوانینی که خلاف منافع زحمتکشان باشد، برای ما قابل قبول نیست و بنابراین وظیفه خود می‌دانیم که با تمام قدرت حمایت آنها را افشاء کنیم.
۱- ملی کردن واقعی کلیه بانکها و صنایع وابسته به امپریالیسم، بطریقی که نشانان در خدمت تامین زندگی زحمتکشان قرار گیرد.
۲- اخراج کلیه مشاوران و متخصصین خارجی از کلیه فعالیت‌های تولیدی و اداری و نظامی کشور.
۳- لغو کامل قوانین ظالمانه کار قبلی و تدوین قوانین جدید کار توسط نمایندگان واقعی کارگران ایران.
۴- لغو کلیه بدعی ها و دیون کارگران و زحمتکشان به بانکها و موسسات دولتی.
۵- حق شرکت مستقیم و فعال در تصویب

معرفی مهدی حاج قاضی تهرانی کاندیدای کارگران پیشرو



مهدی حاج قاضی در سال ۱۳۳۳ در تهران متولد شد و تا کلاس ششم ابتدایی به تحصیل پرداخت. از دوازده سالگی شروع به کار کرد و بین سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۱ به جواربافی در بازار تهران و کارگری در مادن نخل سنگه شمشک و کارخانه بیکرامالت سازی پرداخت.

از سال ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۹ در کارخانه سیمان ری به کار مشغول بود. در این سال به خاطر شرکت فعال در مبارزات کارگری و مقاومت در مقابل نماینده ساواک از کارخانه اخراج شد بین سالهای ۳۳ تا ۳۷ به کار در کارخانه های ارج، لامپ ایران، سنگبری و همچنین کارآزاد مشغول بود. از سال ۴۲ تا ۵۱ در کارخانه نلت ترمز ایران کار می‌کرد. در این سال بهشت مبارزات سیاسی متگیر و بهمسال زندان محکوم شد. پس از پایان زندان مجدداً

در همین کارخانه مشغول به کار شد و به مبارزات خود ادامه داد.

بقیه از صفحه ۱

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای دفاع از...

- ۱- ناصر خاکبار - کارگر فولادسازی اهواز - کارگران پیشرو
- ۲- نسیم خاکبار - معلم (شاعر و نویسنده) - پیشکام

گیلان

- ۱- مصدرا جوشی املشی - پزشک - فدایی خلق

مازندران

- ۱- شهرمحمد درخشنده توماج - کشاورز - کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
- ۲- عبدالحمید مضمون - معلم - کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن
- ۳- فردوس چشمبند رودباری - پزشک - پیشکام

حق داشتن کار و در صورت بیکاری پرداخت هزینه زندگی از ابتدایی‌ترین حقوق مردم است.
در پیش نویس قانون اساسی این حق ابتدایی کارگران و زحمتکشان نادیده گرفته شده است.

حجت‌الاله رئیس کارگر پالایشگاه تهران، کاندیدای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

حق داشتن مسکن مناسب از ابتدایی‌ترین حقوق کارگران و زحمتکشان است. در پیش نویس قانون اساسی این حق نادیده گرفته شده است.
مصطفی مدنی، کاندیدای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

زنان باید در همه امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با مردان برابر باشند. پیش نویس قانون اساسی این ابتدایی‌ترین حقوق زنان را ایماال کرده است.
رقیه دانشگری کاندیدای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران



توطئه ارتجاع در «سرو»

بقیه از صفحه ۱

دشمن انقلاب، به کردستان بروند و غلبانها به ملت مجسم همافران، از اجرای دستور سرپا می‌زنند.
از روز جمعه ۲۹ تیر، ارتش حفاظت منطقه را به همدان گرفت. روز شنبه درگیریها ادامه یافت و طی آن همدان از کردهای منطقه دستگیر و بهشت مورد شرب و جرح قرار گرفتند. دو کارگاه کوره‌پزخانه بین‌رسمه‌پاد، ارومیه تسطیل شد و کارگران آن که هنگی کرد هستند، تسبیح بهمه‌پاد کوچ کردند و در کوره‌پزخانه خورشید مشغول به کار شدند. دو نفر از کارگران کرد کوره‌پزخانه، توسط پاسداران دستگیر و بهشت برده شدند. زن و بچه‌های این دو کارگر از ترس به کوه‌ها گریختند. اوضاع شهر بطور کلی ناآرام است، تا کجا ویرانهای ارتش در روزهای اخیر، مرتب رفت و آمد می‌کرده‌اند. بهغیر از «سرو» بقیه دیگری در منطقه بوجود آمده که در حدود ۸۰۰۰ نفر در آن سنگر گرفته‌اند. این جبهه در منطقه‌ای نزدیک به ارومیه تشکیل‌دهنده است.
باید پرسید میان زحمتکشان کرد و ترک چه برادر کشتگی وجود دارد؟ مگر نه اینکه هر دو ازجانب دشمن مشترک ستم می‌خورند. این تفرقه افکنان هستند که با سلاح زنگ‌خورده خود بشیوه آریامهری میان خلقها اختلاف می‌اندازند. تا چند سباحی بهمه‌پاد و اشتار خود ادامه دهند.
درگیری منطقه سرو و تشدید جو شد کرد، دقیقاً پسود شد انقلاب است.
چنگه جز بفلکت کتاندن دهقانان نتیجه‌ای نخواهد داشت. این سربازان و دهقانان هستند که در جهت منافع نیروهای ارتجاعی و فئودال ما جان می‌بازند. پس از چنگه نیز همچنانکه جریان قتل نشان داده، باز زحمتکشان روستا واره و درپیر می‌گردند.
ما احتیاج داریم، چنگه می‌بایستی سرما متوقف گردد و پاسگاه سرو به توسط عبود دهقانان ویا خوراهای دهقانی منطقه اداره گردد. دهقانان خود بهترین صورت می‌توانند از منطقه سرو در مقابل هجوم بیگانگان دفاع کنند.

داشتند و بعد از قیام با تمام نیرویشان زمینها را از دهقانان می‌گرفتند. نمی‌توانند مدافع منافع زحمتکشان روستا باشند.
از مدتها پیش و بخصوص بعد از آغاز درگیری منطقه سرو، مرتجعین نظیر ملاحی بهجو شد کرد دامن زدن، نیروهای ارتجاعی تلاش می‌کنند ائشان توده‌های کردتین را مضعوش کرده و مسئله حل خودمختاری کردها را به مسئله کرد و ترک تبدیل کنند. ملاحی‌رما اعلام می‌کند که چشم کردها را باید درآورد. نیروهای ارتجاعی با منافع ملی ویا حقوق زحمتکشان معامله می‌کنند. آنها با پیش کشیدن مسئله کرد و ترک، با سببه چنین و بجهان هم‌انداختن مردم، منافع غارتگران را تامین می‌کنند.
حال ببینیم که عوطه ارتجاع در سوجه‌چگونه صورت گرفت.
دولت موقت که از مدتها پیش در فکر استقرار پاسگاه در مناطق کردتین بود، اخیراً با همکاری حاج سامی، جهانگیرخان و طاهرخان که از سران فئودالهای جناح ملاحی هستند موفق شد پاسگاه سنرزی «سرو» را در نوار مرزی اطراف ارومیه در روز شنبه ۲۳ تیر مستقر سازد.
سفار، رئیس شهره کردهای اطراف ملامس و منطقه «سرو» تصمیم بهمساربه پاسگاه وخلق سلاح آن گرفت. دهقانان منطقه، اگرچه با فئودالها در تضاد هستند اما چون از استقرار پاسگاه بهختم آمده بودند، در این تضاد، جانب فئودالها را گرفتند.
در روز چهارشنبه ۲۷-تیر که نیروهای نظامی و پاسداران طرف ستاد سرازیر می‌شود، چهار نفر از پیشقراولان آنها توسط کردها خلع سلاح و یک کامیون رو به آتش کشیده می‌شود. در همین روز تیراندازی‌های پراکنده‌ای نیز صورت می‌گیرد. روز پنجشنبه ۲۸ تیر درگیری تندر می‌شود و دو نفر از پاسداران کشته و چند نفر دیگر زخمی می‌شوند. در برخورد روز پنجشنبه، چند نفر از کردها نیز کشته می‌شوند.
در روز شنبه ۳۰ تیر، فرمانده هوایی تیریز بهخلبان دستور می‌دهد که برای سرکوب

را مهار سازند. این قانونندی کلی تمام جرقه‌های جنگ داخلی و کشتاری است که این روزها در نقاط مختلف ایران در جریان است. پس از پیروزی قیام در نقاط مختلف کردستان، گاه، سنجج، زمانی نبد، و گاه در پیرانشهر و میوان آتش جنگه افروخته شده است. خلق کرد، مدتها برای رفع ستم ملی وحق تعیین سرنوشت خود چنگینه و طبیعی است که انتظار بازیافتن حقوق حقه خویش را پس از قیام داشته باشد. اما دولت موقت از همان آغاز بخود مختاری خلقها مخالفت کرد واز برآوردن خواستهای اساسی خلق کرد سرباز زد و سرانجام، پیش نویس قانون اساسی، آخرین امیدهای خلق کرد را بر باد داد. ودر برابر تمام این سلب حقوق، بهخلق کرد اتهام تجزیه طلبی و آشوبگری زده شد. کسیتها و بخصوص ملاحی، این روحانی نمای مرتجع روسیا در تدارک توطئه برآمدند و فئودالها را صلح کردند وقتی فئودالها، دولت و کسیتها را حامی خود یافته و بغارت زمین و اموال دهقانان دست بردند و هر سه را بر آنها تنگ کردند.
دولت که می‌خواهد نهادهای ضد خلقها را مستقر سازد، این بار با سازش با تمدادیاز فئودالها، پاسگاه مرزی سرو را برپا کرد. دهقانان از استقرار پاسگاه بهشت خشمگین شدند. فئودالها از یک طرف بهاطر اینکه زحمتکشان روستا، خود مستقلا درسدن تهاجم به پاسگاه برپایند و از طرف دیگر به خاطر محدودیتی که با استقرار پاسگاه برای فعالیت های آنها فراهم می‌شده، تلاش کردند خود جلو افتاده و پاسگاه را محاصره کنند و تعداد دهقانان را تحت‌الشعاع چنگه قرار داده و دهقانان را در جهت اهداف ضد خلقی خود بکشانند. دهقانان که با آنها سترواندارها را تحمل کرده‌اند، این بار حاضر نیستند سرب نوشت خود را بدست آنها ببارند. این امر، همراه با فقدان تشکل دهقانان و بهره‌گیری فئودالها از فرهنگ و سنتهای عشیری موجب شده است که روستاییان بدنبال فئودالها کتاندن شوند. این فئودالها که تا دیروز با ساواک در سرکوب خلقهای ایران همکاری

پیش نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای ایران است



پیش نویس قانون اساسی

آزادیهای دموکراتیک را پایمال...

دیگر مواداران طبقه کارگر و زحمتکشان را داریم که از دیدگاهی کاملا متفاوت به آزادیهای دموکراتیک مینگرد و بجای تقویت بیشتر سلطه امپریالیسم، خواهان قطع کامل رشتههای وابستگی سیاسی، نظامی و اقتصادی ما به امپریالیسم هستند.

پس در اینجا برای آنکه مرزها را کاملا مشخص کنیم در ابتدا باید بگوئیم که ما بعنوان مدافعان منافع طبقه کارگرو زحمتکشان میهنمان با چه دیدگاهی از آزادیهای دموکراتیک سخن میگوئیم. برای ما آزادیهای دموکراتیک تنها از دو نظر دارای اهمیت است: برای مبارزه با امپریالیسم و حرکت در جهت نفی کامل آن، و برای رسیدن به حاکمیت دموکراتیک خلق زحمتکش. و باز از نظر ما رسیدن به حاکمیت دموکراتیک واقعی خلق جز از طریق مبارزه با سرمایه داری وابسته و در نتیجه مبارزه با امپریالیسم ممکن نیست. پس این دو از یکدیگر جدائی ناپذیرند و دقیقا برای رسیدن به همین هدف است که ما از آزادیهای دموکراتیک دفاع میکنیم.

و باز بدلیل همین جدائی ناپذیری است که به آزادیهای دموکراتیک فقط پرتله وسیله لازم برای دفاع از حقوق دموکراتیک مردم اعتقاد داریم. لذا پیش از طرح آزادیهای دموکراتیک در قانون اساسی، باید حقوق دموکراتیک مردم مطرح باشد مثل داشتن حق برخورداری از آموزش و پرورش رایگان و اجباری، بهداشت رایگان، حق داشتن کار، حق اعتصاب، حق ایجاب شورا و سندیکا و اتحادیه، حقوق ایام بیکاری و استراحت، حقوق خلقهای زیر ستم، حق تساوی زن و مرد، و...

قانون اساسی باید نخست حقوق دموکراتیک تودهها را در تمام موارد تمهین کند و به رسمیت بنماید. و بعد با تمهین آزادیهای دموکراتیک راه بهره دوری و دفاع از این حقوق را باز کند، و جلوی تجاوز باین حقوق را سد کند.

فقط شناسایی حقوق دموکراتیک تودهها در قانون اساسی است که اعتقاد بآزادیها را هم ثابت میکند. وگرنه چنانچه حق دموکراتیکی برای طبقات مردم تمهین نشود، اشاره به آزادیها هم نمیتواند بنیاد درست و محکمی داشته باشد.

آزادیها اگر در چارچوب مسائل زحمتکشان مطرح نشوند درست بطنی ناپذیرند. گرفتن حقوق آنهاست. طرح آزادیهای بورژوازی پرتله راهت حقوق دموکراتیک همه اقشار مردم نیست. روابط واقعی آزادیهای دموکراتیک بدون راهت واقعی حقوق مردم حرف بومی است. زیرا حقوق و آزادیها تفکیک ناپذیرند. کسی که آزادیهای مردم را سلب می کند معلوم است که به حقوق مردم هم معتقد نیست. به همین علت است که در پیش نویس فعلی در آن بخش که به «حقوق ملت» اختصاص یافته دواشکال عمده وجود دارد:

اولا، حقوقی که طرح شده عبارت از همه حقوق دموکراتیک مردم و زحمتکشان نیست. مثلا از حق داشتن کار سخنی در میان نیست. از همین رو تکلیفی هم برعهده دولتها بخاطر ریشه کن کردن بیکاری وجود ندارد. و چون چنین حتی برای مردم قائل نشده اند در نتیجه نسبت به حقوق ایام بیکاری نیز سکتاننده اند.

یا از حق اعتصاب که عادی ترین و طبیعی ترین وسیله دفاع استشار شولندگان است مطلقا حرفی نزنند و بدین وسیله دست دولتهای مدافع سرمایه داران را در جلوگیری از اعتصاب کارگران و زحمتکشان و دیگر گروههای اجتنابی بازگذاشته اند. در کشورهای دیکتاتوری اعتصاب یا قانونا ممنوع میشود و یا علاوه و کنوری که به سبب جاز یا ممنوع بودن اعتصابها اثارهای در قانون اساسی خود نکند معلوم است که قصد دارد. مثلا اعتصابات کارگران را سرکوب کند.

ثانیا، همان مقدار از حقوق طرح شده نیز بوسیله محدود کردن آزادیها، قابل از دست

بقیه از صفحه ۱

از مبارزات پیروزمند روستای باغچه...

سنگربندی نوده و به نگرانی منظم و مداوم پرداختند. بهنگام شخم زدن زمینهای اهالی باغچه از روستاهای اطراف، از صاحبان تراکتور تقاضای کمک نمودند، اما آنها در ابتدا ترسیده و از کمک به اهالی باغچه خودداری نمودند، ولی در روزهای آخر چند تراکتور از روستا های اطراف به کمک مردم باغچه آمدند.

علت پیروزی مردم را در عوامل زیر باید جستجو نمود:

۱- اتحاد و یکپارچگی: تمام اهالی باغچه، چه خوش نشینها و چه دهقانان در طول چندین ماه مبارزه خود با یکپارچگی و اتحاد کامل عمل نموده و هیچگاه دچار تفرقه و اختلاف نشدند. این عمل نقش تعیین کننده در پیروزی آنها داشت.

۲- مبارزه همجانبه و بی گریز: زحمتکشان باغچه قاطع و بی گریز، مبارزه خود را چه بشکل قانونی (از طریق ادارات دولتی) چه بشکل دفاع مسلحانه و چه بشکل افتخاری سیاسی (از طریق اعلامیهها و قطعنامهها) به پیش بردند. اگر آنها مبارزه را فقط به دفاع باری و کاغذ پرستی محدود میکردند، دفاع مسلحانه از خود نمیدانستند، نمیتوانستند در مقابل توطئهها و حملات یحیی خان مقاومت کرده و پیروز گردیدند.

ثالثا نبودن حمایت یحیی خان و جناحش از طریق اعلامیهها بمرم و مقامات دولتی و بی گریز روستائیان در مبارزه برای رسیدن

رسمی شدن کارگران پیمانی...

رسمی در نظر گرفته شده است. به آنها نیز داده شود.

۲- درآمدی معقول شرکت نفت اقدام به رسمی کردن کارگران بکند...

۳- مدت معقول جهت استخدام یکسال باشد. کارگران قبلا خواستهای دیگری نظیر اینکه حقوق هر کارگر پیمانکار از طریق شرکت نفت مستقیما بکارگران پیمانکار داده شود و تسلیلی روز پنجشنبه و پارهای خواستهای سنی دیگر را مطرح ساخته بودند.

از این پس نمایندگان از طرف تریه و فروهر نمایان آمده اند، اما نتیجه ای از مذاکره با آنها گرفته نشد. حتی یکی از آقایان نامبرده در جواب سوال یکی از نمایندگان کارگران که می پرسد چرا شرکت کارگران پیمانی را رسمی نمی کند جواب می دهد: ما میدانیم که بازدهی کار کارگران پیمانی دو برابر کارگران رسمی است و اگر رسمی شوند از زیر کار برد میروند این گفتار با اعتراض تمام نمایندگان کارگران روبرو می شود. این جواب نشان دهنده استعار برحسانه کارگران پیمانی و توهین به کارگران رسمی است. کارگران پیمانی که سالها قود استعمار و شیو حسیانه پیمانکاران داخلی و خارجی قرار گرفته اند، در بهترین شرایط زندگی می کنند و از حداقل معیشت محروم اند. کارگران پیمانی را با حداقل دستمزد در بهترین شرایط بکار و امیدوارند و آنها را استعمار می کنند. مثلا اگر شرکت نفت در روز برای هر کارگر ۱۲۵ تومان بپردازد، پیمانکار حدود ۲۵ تا ۳۰ تومان آنرا به کارگر می پردازد و بقیه را بیچیب میزند. و هر زمان که بخواهد آنها را اخراج می کند. کارگران در دوران انقلاب و پس از آن نیز کارفرمایان و پیمانکاران بدلیل دروغین ندانستن پول، حقوقهای عقب افتاده را به آنها نپرداختند و در بسیاری موارد نیز به بهانه تورم کارگر را بیوین کار آنها را اخراج کردند. اما اکنون دیگر کارگران پیمانی همانند کارگران دیگر حاضر بقبول کارمندی همان شرایط و همان قوانین گذشته نیستند و مبارزه خود را تا پیروزی نهائی ادامه خواهند داد. بگذار دشمنان طبقه کارگر از وحشت برخیزد و بریزند، دشمنان طبقه کارگر از فرط یاس و ناامیدی به کیفیت ترین و ناروا ترین اتهامات متوسل میشوند و کارگران شریف مبارز و انقلابی را ضد انقلابی میخوانند. کارگران در پاسخ به اراجیف رادیه و تلویزیون که در اخبار خود کارگران را ضد انقلابی معرفی کرده بود، طی اعلامیه ای خطاب بمرم ایران چنین نوشتند: «آیا ما بخاطر حقوق حقه مان باید این چنین مورد هجوم قرار بگیریم و تا میخواستیم حرفی بزلیم زود میگویند طبق

شورای سازشکار

ژنرال موتورز را...

و کارگران هر روز بیش از پیش اعتقاد خود را نسبت به آنها از دست میدهند. حتی آنها کار را بجائی رسانده اند که خود سرانه در مورد مسائل مربوط بکارگران مثلا در مورد سود ویژه عملا بزبان کارگران اقدام می کنند. اکنون نیز پس از دولتی شدن کارخانه یا بقول آنها ملی شدن کارخانه، بزرگترین خیانت را بکارگران می کنند یعنی مانع از این می شوند که کارگران درک کنند، چه نسبتی موقتی آمریکا، عملا دست آن را از کارخانه کوتاه نکرده است. این نمایندگان سازشکار تلاش می کنند که کارگران را از مبارزه ضد امپریالیستی منحرف سازند و از هر فرصتی برای حمله به نیروهای پیشرو و مبارز در داخل و خارج کارخانه استفاده می کنند و با سوء استفاده از پائین بودن سطح آگاهی کارگران و عدم تشکل واقعی آنها را بدببالدوری از خرد بورژوازی می کشانند. جنگی که شش سال پیش شروع شد، حال که مدتی هستند کارخانه ملی شده، هنوز هم باید پول کسریه ها را بپردازند و کارگران خود شنبه باین مسئله اعتراض می کنند، با بی شرمی تمام داد آنها بلند می شود که شا دارید کارگران را تحریک می کنید ما پول گریه ها را از ۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰ آمریکا کم می کنیم. معلوم نیست که آمریکا چه سهمی دارد و آیا کارخانه جز نر و زحمت کارگران است؟

این شورا با حمایت مدیران عامل دولتی سی دارد که همان اختیارات سابق را به روسای قسنتا و فورسنا بر گردانده، کارگران را با اطاعت از این عوامل وادار و خائنین را در کارخانه نگهدارد. این شورا همسرا جا که صحبت از منافع کارگران می شود، در مقابل آنها می ایستد، بر علیه کارگران مبارز اقدام می کند و به آنها برچسب ضد انقلابی و یهودینی میزند. و هنگامی که منت محکم کارگران را در مقابل خود می بیند مثل موش خود را در پناه کارفرمایان دولتی مخفی می کند و خائنه درین کارگران تفرقه می اندازد. نمونه آن تفرقه اندازی و نفاق افکنی بین کارگران شیفت ۱ و ۲ است که در جهت نقشه های ضد کارگری حداکثر استفاده را از آن کرده است.

وظیفه کارگران آگاه است که ماهیت این شورا و عناصر سازشکار آن را افشا کنند، شورائی که وظیفه سازش بین کارگر و کارفرما را عهددار شود، دیگر شورای کارگری نیست. باید این شوراها را قلابی و سازشکار را درهم کوبید و بجای آنها شوراها واقعی کارگری با نمایندگان واقعی و سازش ناپذیر کارگران را بنیاد آورد. تنها آن شورائی مورد تأیید است که از منافع کارگران دفاع کند.

قانون اساسی باید آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم را تضمین کند

بقیه از صفحه ۶

نیروهای گوناگون سیاسی با چه موضع و باچه هدفی در انتخابات ...

پسند چه خواستهای دارند؟ بدیهی است که محتوای قانون اساسی و ماهیت مجلس خبرگان را عدالت سنج مبارزه و تقاب قوای طبقاتی تعیین می‌کند و مارکسیست - لنینیستها در این مورد دچار خیالپردازی و توهم نیستند. اما بسیاری از نیروهای سیاسی سازشکار و همچنین نیروهای مدافع سرمایه‌داری وابسته که در انتخابات شرکت دارند و بهمت پرس قانون اساسی پرداخته‌اند مثل همیشه می‌گویند ماهیت طبقاتی خود را از توهم‌ها پنهان دارند و در پناه شعارهای گنگ و یا شعارهای غوامض‌آمیز، منافع طبقه خود را با منافع طبقات زحمتکش یکسان جلوه دهند. این نیروها در هر فرصتی بویژه در این مرحله حیاتی از تاریخ مبارزات مردم ما، سده‌اند مرز میان خواستها و منافع طبقاتی اشتراک شونده و اشتراک را مخدوش کرده و بدین ترتیب نگذارند که توهم‌ها فرق بین نیروهای پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشان را با نیروهای مدافع سرمایه‌داری تشخیص دهند. از همین زوایا که خواستار پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته هستند با نیروهای دیگر از اهمیت فراوانی برخوردار است.

اگر نیروهای شرکت‌کننده در انتخابات را نه از روی اساسی و الهامی که به پیش می‌کنند نه از روی حرفها و ادعایان بلکه صرفا براساس اصناف و سیاستهایان یعنی براساس ماهیت طبقاتیانشان بررسی کنیم، می‌توانیم این نیروها را بطور کلی بدو دسته تقسیم کنیم:

۱ - نیروهایی که خواستار عقب‌نشینی و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری وابسته هستند و در جهت پیشبرد مبارزات کونی خلقهای ایران عمل می‌کنند. این نیروها را می‌توان بطور کلی بدو گروه تقسیم کرد:

الف - نیروهای انقلابی کمونیست
ب - نیروهای منحیی ضد امپریالیست و آزادخواه
۲ - نیروهایی که صرفا از ادعایان، مواضع و سیاستهایان بزیان کارگران و زحمتکشان و بسود بورژوازی تمام می‌شود. این نیروها را می‌توانیم به گروههای زیر تقسیم کنیم:

الف - نیروهایی که در حرف مدعی دفاع از منافع مردم هستند و خود را مارکسیست-لنینیست می‌دانند اما در عمل به خاطر ماهیت روبرژوئیستی‌شان می‌کوشند جنبش کارگری و بطور کلی جنبش انقلابی خلقهای مپون مارا به انصراف و شکست بکشاند. حزب سوده و گروههای دنباله‌رو چین از این قبیل‌اند و هر چند که بین آنها اختلافات بسیار زیادی وجود دارد، اما همه آنها عملا سیاست تبعیت از بورژوازی را تبلیغ می‌کنند و از آنجا که با مواضع غوامض‌آمیزه می‌دارند کارگران و زحمتکشان را به بی‌عملی و دنباله‌روی از بورژوازی بکشاند، خطر بزرگی برای جنبش محسوب می‌شوند.

ب - نیروهایی که به خاطر عقب‌ماندگی تاریخی‌شان و به خاطر ماهیت روبرژوئیستی‌شان از یکسو و گرایش ضد کمونیستی و تنگ نظرانه‌شان از سوی دیگر قادر به ادامه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته نیستند و هر چند گرایش به کوتاه کردن دست امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن از خود نشان می‌دهند لیکن عملا به خاطر ماهیت طبقاتی‌شان ناچار به سازش با نیروهای مدافع سرمایه‌داری وابسته یعنی نیروهای گروه ج هستند و از همین رو است که هر روز گام تازه‌ای در جهت عقب‌نشینی در برابر امپریالیسم و سازش با بورژوازی وابسته بر می‌دارند. حزب جمهوری اسلامی و گروههای شبه به آن در این زمره‌اند.

ج - نیروهایی که زیر پوشش دفاع از آزادی و دموکراسی و دفاع از ثمرات انقلاب و غیره، هدفی جز تحکیم سلطه سرمایه‌داری

۱۵ نفر از کارگران شرکت پروکان-مدیل (پساکار) ساختمان پتروشیمی ایران - ژاپن) که قبل از قیام اعراج شده‌اند خواهان

بقیه از صفحه ۶

پیش نویس قانون اساسی با اختیارات فوق العاده‌ای که به رئیس جمهور داده ...

قوای سگانه ریاست قوه مجریه را بهمه دارند. این اصل علاوه بر اینکه قوای دیگر را بریر یوغ قوه مجریه می‌برد، تنظیم روابط سه‌قوه را نیز از اختیارات رئیس جمهور دانسته است. اختیارات مندرج در این اصل آنچنان وسیع، مبهم و قابل تفسیر است که در هر زمانی و طبق هر شرایطی میتوان آنها را بدلتخواه تفسیر کرده و اختیارات جدیدی را از بدن آن بیرون کشید. و باین ترتیب در آینده معلوم نیست که مفسران در خدمت طبقه حاکمه چه اختیارات جدیدی در جهت خلاصه‌سازی خلقهای ایران برای رئیس جمهور اختراع میکنند. بنظر ما نویسندگان پیش نویس قانون اساسی به آنجه در اصل ۱۵ تحت عنوان «حق حاکمیت ملی» نوشته‌اند ندرای اعتقاد نداشته و دقیقا بنظور نفی حاکمیت خلق یک چنین قدرتی به رئیس جمهور داده‌اند. مثلا اصل ۸۴ پیش نویس توضیح (امضاء) قوانین را حق رئیس جمهور میدانند و باو اختیاری میدهند که چنانچه قانونی را مخالف با قانون اساسی و یا اصول مسلم و احکام شرعی ببیند، آنرا امضاء نکند و برای تجدید نظر بمجلس شورای ملی باز گرداند. و باز چنانچه مجلس در تصویب قانون

نایندگان مردم صورت می‌گیرد. علاوه بر اختیارات فوق که هر یک از آنها کافی است از یکفرد دیکتاتوری ساخته شود، بموجب اصل ۸۹ رئیس جمهور حق دارد از طریق مراجعه بهمه پرس مجلس شورای ملی را منحل کند. اصل ۸۹ پیش نویس چنین است:

و هرگاه بین قوه مجریه و مجلس شورای ملی اختلاف نظر بوجود آید و توافق ممکن نگردد، رئیس جمهور میتواند از راه همه پرس انحلال مجلس شورا را به تصویب ملت برساند. امروز با وجود وسائل ارتباط جمعی گسترده نظیر رادیو و تلویزیون که در دست قوه مجریه و زیر نفوذ طبقه حاکمه است و چه در گذشته و چه درحال، شاهد سوء استفاده این وسائل بنفع قدرت حاکمه و بشرف خلق بودیم و با توجه به سوء استفاده‌هاییکه دولت از ناآگاهی مردم به سوء استفاده دولتی در سوء استفاده و تقلب در آراء مردم دارد، تصور آن بید است که جواب همه پرس که توسط دولت میشود چیزی خلاف تمایل آنها باشد. ما در گذشته دور و نزدیک این واقعت را در ایران دیدیم و در سایر کشورهای شاهانه‌نستیم که مثلا بطور سادات خائن و مغرور مردم‌همس

افشای ماهیت مجلس خبرگان، افشای ماهیت قانون اساسی و نیروهای سازشکار و نیز رسوا ساختن نیروهای مدافع سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم، بدون تردید کام موثری در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی مردم و مرزبندی میان نیروهای انقلابی با نیروهای دیگر است. بنابراین مواضع ما و هدف ما از شرکت در انتخابات کاملا روشن است. بدیهی است ما خواستار آنیم که قانون اساسی چنان تدوین شود که موارد - کننده راه مبارزات ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری خلقهای ایران باشد و از حقوق خلقها، کارگران، دهقانان و تباری کامل زبانی در حقوق اجتماعی، اقتصادی و مدنی دفاع کند. اما ازهم اکنون پیداست که نحوه انتخابات، شرایط غیر دموکراتیکی که دولت از دهها پیش به آن دامن زده و آن را تقویت کرده است، گروههای فشاری که دولت به وجود آورده، و همچنین تعداد محدود نایندگان مجلس به اصطلاح خبرگان همه و همه شرایط را برای تدوین و تصویب قوانینی که منافع و خواست واقعی کارگران و زحمتکشان خواهد بود، پدید آورده است. بنابراین هدف ما از شرکت در این انتخابات قبل از هر چیز همان گونه که بارها گفته‌ایم، افشاکری و کوشش در جهت ارتقاء آگاهی‌های سیاسی توده‌هاست.

نیروهای دیگر دسته اول نیز برای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در انتخابات شرکت می‌کنند. اما این نیروها به جای برخورد قاطع در جهت افشای ماهیت مجلس خبرگان و افشای ماهیت پیش نویس قانون اساسی و نیروهای سازشکار و مدافع سرمایه‌داری وابسته، بیشتر به امکان تمیز پیش نویس قانون اساسی از طریق شرکت در مجلس فکر می‌کنند. این نیروها به علت مواضع کم یا بیش مترازل و محافظه کارانه‌ای که در ماههای پس از قیام تا به امروز داشته‌اند نتوانسته‌اند مرز میان خود را به عنوان نیروهای منحیی مبارز و ضد امپریالیست با نیروهای سازشکار و همچنین نیروهایی که برای دفاع از سرمایه‌داری وابسته و امپریالیسم در پوشش دفاع از منحص‌مانند، از همین رو است که هنوز نتوانسته‌اند از فرصت و امکانات رشدی که در بستر مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای ایران برایشان بوجود آمده است بطور صحیح بهره‌گیرند.

پیش نویس قانون اساسی به رئیس جمهور اختیارات يك دیکتاتور را داده است . دادن اختیارات نامحدود به رئیس جمهور تجاوز به حقوق اساسی مردم است

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شماره ۱۱

مزبور با فشاری کند رئیس جمهور آرا برای رسیدگی و تصمیم‌گیری. نهائی به شورای نگهبان می‌فرستد. دادن اینهمه اختیارات به رئیس جمهور که با حق حاکمیت مردم بر سر نوشت خویش منافات دارد نایانگر آنست که نویسندگان پیش نویس آنچه را در ارتباط با مردم است زیر پا گذاشته و عملا این حق حاکمیت را نابود کرده‌اند. بموجب اصل ۸۶ پیش نویس رئیس جمهور مجاز است هرگاه نایندگان مجلس لایحه‌ای را تصویب نکرده‌اند آنرا بهمه پرس می‌گذارد. این اصل برخلاف حق حاکمیت مردم و نایندگان منتخب آنهاست و تسلط قوه مجریه را بر مجلس قانونگذاری اعمال میکند. این اصل یادآور نحوه تصویب «اصول تشکانه» و با اصطلاح منثور انقلاب محمد رضا شاه مظلوع است که برای تصویب آن از همه پرس استفاده کرد. اگر قرار است که نایندگان مجلس برگزیده مردم باشند، اگر تصویب لایحه‌ای را صلاح مردم ندانند حقتان است که آنرا تصویب نکنند و اگر این نایندگان منتخب مردم نباشند که اصولا صلاحیت نایندگی ندارند و در این صورت باید توسط شوراهای انقلابی خلق از نایندگی خلع شوند. ولی نمیتوان با همه پرس لایحه قانونی، که شامل مواد متعددی خواهد بود تصویب کرد. چگونه مردم میتوانند بوسیله همه پرس بهمت ویرسی تک تک مواد قانونی بپردازند، و بهین دلیل اصولا همه پرس برای سؤالات آری یا نه است. نظیر اینکه این مجلس باید یا نباشد، رئیس جمهور باشد یا برود، و در هیچ کجای دنیا مرسوم نبوده است که در همه پرس به بررسی، تنظیم قانون بپردازند. همیشه تنظیم و تصویب قوانین و مقررات در مجامع یا مجالس و شوراهای

مستشاران نظامی امپریالیسم آمریکا ...

- ایران وارد شده‌اند در زیر ذکر می‌کنیم.
Col Hamdon هرندون
Ltc Englemann انجلسن
Cmdr Higbee هکیس
Ltc Lautzenheiser لاترن‌هیزر
Ltc Olson اولسون
Ltc Rinker رینکر
Ltc Stevenson استیونسون
Maj Faulkner فالکنر
Cpt Fierke فایرک
Cpt Hays هیس
Cpt Vines وینر
Lt Hatch حاج
Lt Knapp نپ
Lt Knapp پانل
Lt Raaf راف
Lt Swanson سوانسون
MSG Ragan راگان
TSgt Baker بیکر
SFC Hardy هاردی
SSG Naldas نیداس
SSG German جرمن
SP6 Rick ریک

است - میتواند مجلس را منحل کند. مشخص میشود که قوه مجریه عملا حق قانونگذاری و اجرای قوانین را یکجا به خود اختصاص داده است.

بموجب اصل ۹۳ پیش نویس فرماندهی کل نیروهای نظامی با رئیس جمهور است و این اختیار بدون هیچگونه محدودیتی ذکر گردیده است.

علاوه بر اختیارات فوق، رئیس جمهور بموجب اصل ۹۵ در موارد اضطراری و فوری حق دادن اعلان جنگ، متارکه آن و انعقاد پیمان صلح را داراست. با توجه باینکه همیشه جد جنگ بسورت اضطراری و بدون اطلاع قبلی وقوع می‌یوندد، و با توجه باینکه همیشه جنگ مخصوص در عصر حاضر عواقب و خسارات وحشتناکی برای مردم بیار می‌آورد چگونه میتوان این اختیار را با همه عواقب آن بدست یکفرد سپرد. اینکه بنما مردم (بموجب اصل ۸۸) از رئیس جمهور مسئولیت بخیراندوختی در صورت خضای آشکاری او را محاکمه و یا محاکمه هم محکوم کنند جوابگوی عواقبشوم يك جنگ بی‌حاصل و خانمان برانداز خواهد بود. گنج‌بایدن این اصل نشاندهنده این واقعت است که تنظیم کنندگان و مدلمان این قانون بقتدر بسر نوشت مردم ایران بی‌احتنا بوده‌اند و باهائی نداشته‌اند که در مسئله‌ای باین اهمیت بدون دخالت خود مردم، زندگی میلیونها زحمتکش را دستخوش تصمیم‌گیری رئیس جمهور که بعنوان نایندگ طبقه حاکم مسئول میکند مینمایند.

باین ترتیب يك نگاه گنرا به اختیارات رئیس جمهور در پیش نویس قانون اساسی قدرت فوق‌العاده این نایندگ طبقه حاکمرا در جلوی دیدگان چنین برجسته میکند: رئیس جمهور بالاترین مقام کشور، پاسدار قانون اساسی و دین رسی و مشول ترویج اخلاق در مملکت است! او حق دارد قوانین تصویب شده را امضاء کرده و یا از امضاء کردن خودداری کند. انتخاب نخت وزیر و رئیس کل ستاد با تصویب اوست. او خود فرمانده کلی نیروهای نظامی است. او حق دارد اعلان جنگ بدهد، متارکه کند و پیمان صلح منعقد کند. اینها بخشی از اختیارات فوق‌العاده رئیس جمهور در پیش نویس قانون اساسی است. که قرار است در مجلس با اصطلاح خبرگان بتصویب برسد. آیا يك پادشاه خودکامه اختیاراتش بیش از این است؟ با این اختیاراتی که قانون اساسی میخواهد به رئیس جمهور بدهد بدون شك قانون اساسی يك دیکتاتور تازماری را در آستین خود پرورش خواهد داد.

ما خواهان حق تعیین سر نوشت برای همه خلقهای ایران هستیم

نامه گروهبانی از عشایر خوزستان:

مردم پاسداری کند.
ما از هموطنان مبارز خود می‌پرسیم که آیا چنین شخصی که خود غارتگر اموال مردم است، شخصی که وفاداریش پشاه تا بعد از قیام ادامه داشت، چگونه می‌تواند حامی مردم باشد ولی ما با این روش‌ها آشنایی داریم. رژیم شاه نیز شیوخ مرتجع را نماینده مردم معرفی می‌کرد. ویوسیه ژاندارمری و ساواک حاکم بر جان و مال مردم می‌کرد و امروز می‌بینیم همان شیوخ بوسیه دولت و کمیته‌ها دولت را خیانت به مردم زحمتکش می‌دانیم و آنرا بهشت محکوم می‌کنیم و از تمام مبارزین راه آزادی و هموطنان مبارز می‌خواهیم که با ما هم صدا باشند.

تقر و فلاکت اهالی بیشتر شده است. نوروژ چنانی علاوه بر این که مالک زمین های مزروعی هست، مالک خان و مال اهالی نیز هست. این شخص که پشی از وفادارترین اشخاص پشاه بود تا توماء بعد از قیام نیست. برای اهالی سخرانی می‌کرد. شاه برمی‌گردد و ما نباید به او خیانت کنیم و تنها حامی ما می‌باشد و چون مگی بهارپاش وفادارمانده بود... تا این که یک ماه پیش کمیته دزفول اقدام به دستگیری او کرد و حکم جلب او به‌عنوان باواکی به پاسگاه ژاندارمری ابلاغ شد. ولی بعد از چند روز خبر آمد که نوروژ ۱۵۵ قینه ایلجه ۳ گرفته تا از اهالی پاسداری کند. بعد فهمیدیم که نوروژ چنانی آزاد شده و حتی مورد اعتقاد دولت قرار گرفته و به واسطه داده‌اند تا از اموال

به روزنامه کار:
بعد از قیام شکوهمند خلق‌های ایران علیه استبداد و امپریالیسم و سرنگونی دیکتاتوری شاه با امید این که تمام مظاهر رژیم پهلوسی و وابستگی کشور از بین رفته و عناصر خود فروخته رژیم شاه و عناصر ضد مردمی گذشته دیگر جایی در این مملکت ندارند در روزهای اول بعد از قیام مشکلاتمان را با دولت دست اندکاران دولتی در میان می‌گذاشتیم ولی متأسفانه با مشاهده اقدامات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی دولت که تنها به نفع سرمایه‌داران وابسته و امپریالیسم است، امیدمان را نسبت به این دولت از دست دادیم. ما با اراده گرازی کوتاه، وضع اهالی و موضع دولت را نسبت به عناصر مرتجع و خود فروخته، به اطلاع هموطنان مبارز می‌رسانیم و از روزنامه کار می‌خواهیم که این مطالب را برای زحمتکشان درج کند تا مردم بفهمند که دولت حامی چه کسانی است و ماهیتش چیست.



از مبارزات پیروزمند زحمتکشان روستای باغچه پیام‌وزیم

دیگران حدود ۲۱۰۵ هکتار از زمینهای این روستا را به بهانه مکانیزه مصرف نمودند. آنها در سال ۱۳۳۳ زمینهای به اصطلاح مکانیزه نمودند. در سال ۶۰۰ هکتار زمینها را به بهانه اصلاحات و به نفع زمینداران و دیگران به دست آوردند. زمینهای مردم سالها در حصد او باقی ماند.

دیگران حدود ۲۱۰۵ هکتار از زمینهای این روستا را به بهانه مکانیزه مصرف نمودند. آنها در سال ۱۳۳۳ زمینهای به اصطلاح مکانیزه نمودند. در سال ۶۰۰ هکتار زمینها را به بهانه اصلاحات و به نفع زمینداران و دیگران به دست آوردند. زمینهای مردم سالها در حصد او باقی ماند.

دیگران حدود ۲۱۰۵ هکتار از زمینهای این روستا را به بهانه مکانیزه مصرف نمودند. آنها در سال ۱۳۳۳ زمینهای به اصطلاح مکانیزه نمودند. در سال ۶۰۰ هکتار زمینها را به بهانه اصلاحات و به نفع زمینداران و دیگران به دست آوردند. زمینهای مردم سالها در حصد او باقی ماند.

نبرد خلق
شماره ۲
مسترد شد

نبرد خلق

مجلسین چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲
مسترد شد

فهرست

مجله نبرد خلق - شماره ۲
۱ در باره همبستگی (۲۵ صفحه)
۲ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۳ خورشید باغچه پیام (۱۰ صفحه)
۴ پرسش و پاسخ (۱۰ صفحه)
۵ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۶ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۷ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۸ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۹ یاد فدایان (۱۰ صفحه)
۱۰ یاد فدایان (۱۰ صفحه)

پیام کنفدراسیون جهانی به خلقهای مبارز ایران بمناسبت ۳۰ تیر

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج، برای بزرگداشت روز تاریخی سیام تیر، پیامی فرستاده است که خلاصه‌ای از آنرا درج می‌کنیم:

با درودهای فراوان به شهدای پر افتخار سیام تیر، برای ما دانشجویان و محصلین خارج از کشور موجب افتخار است که می‌توانیم با یادآوری وحدت عمل و مبارزه توده‌های جان پرک و وطنان در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در مقابل دمای امپریالیسم و ارتجاع داخلی، پیام‌های تهنیت و درود بی‌پایان خود را به زحمتکشان و خلقهای مبارز و انقلابی میهنان اعلام داریم. سیام تیر از یکسو فرآیند مبارزه انقلابی مردم تحت ستار امپریالیسم و ارتجاع داخلی و از سوی دیگر نتیجه مبارزه مردم علیه گرایشات سازشکارانه‌ای بود که از طریق رهبران فرستادگی که بدرون جنبش خلق غولپوش بودند به جنبش تحمیل میشد. تجربه سیام تیر نشان میدهد که چگونه در زمانی که برخی از رهبران فرستادگی لبروهای جنبش خلق - مناسبت جنبش را زیر پای می‌گذارند - تودما با مستیزدن به مبارزه‌ای انقلابی - آنرا را نفی

گزارشی از مراسم معرفی کاندیداهای مردم ترکمن صحرا برای مجلس خبرگان

در پی دعوت کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن بنظیر معرفی کاندیداهای خلق ترکمن برای مجلس خبرگان، پنجمین گروه آسی-شوراهای روستائی ترکمن صحرا در ساعت ۶ بعد از ظهر چهارشنبه سوم مرداد در محل جوانان پیشگام گنبد تشکیل شد. ابتدا پیام کانون فرهنگی-سیاسی خلق خوانده شد و در آن تأکید شد که: «قانون اساسی باید تمامی ارگانهای مردمی-سوسیالیستی ایجاد کند قدرت مردم را برسمیت بشناسد... در قانون اساسی باید حق خودمختاری همه خلقها در چارچوب ایرانی یکپارچه و متحد که جزئی از حقوق طبیعی آنان است برسمیت شناخته شود...» و «تدوین و تصویب قانون اساسی فقط و فقط به همه مجلس موسسان منتخب از نمایندگان توده‌های مردم یعنی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و ملیت‌های مختلف است.» در این پیام در مورد علت شرکت در انتخابات گفته شد: «سرقت برای هماهنگی با توده‌های مردم و برای اعلام خواستهای بحق خلق ترکمن که تاکنون بوسیله عناصر مغرض و تا آگاه، دگرگون جلوه داده شده است، برای دفاع از منافع زحمتکشان شهر و روستا و خلق مبارز ترکمن، در انتخابات مجلس خبرگان شرکت کرده، شیرمحمد درخشنده توماج و عبدالحمید مختوم را بعنوان کاندیدا های خلق ترکمن معرفی می‌کنیم.» سپس نماینده ستاد مرکزی شوراهای ترکمن

رسمی شدن کارگران پیمانی شرکت نفت حق مسلم آنهاست

مبارزه کارگران پیمانی شرکت نفت که از مدت‌ها پیش بنظیر رسیدن به خواستهای برحق خود آغاز شده بود، با تمسک آنها در چند هفته پیش وارد مرحله تازه‌ای شد. بنا بر این سر این مبارزه نشان می‌دهد که کارگران تنها با اتحاد و مبارزه بی‌امان می‌توانند به خواستهای خود برسند. هرگونه خوش‌باووری نسبت به حسن نیت سرمایه‌داران و دولت جامی آنها، هرگونه کاستی در مبارزه بی‌امان علیه آنها، تنها به نفع سرمایه‌داران و بزیان کارگران تمام خواهد شد.

هدف سرمایه‌دار، استثمار هرچه بیشتر کارگران و بهت آوردن سود بیشتر است. هیچگاه دیده نشده است که سرمایه‌داران از خواسته‌های کارگران حمایت کنند و نفع آنها گامی بردارند، اساساً کارگر و سرمایه‌دار در دشمنی آشفتن‌ناپذیر با یکدیگر پس می‌برند و منافع آنها متضاد است. کارگران تنها با اقدام متحد و متشکل خود قادرند مبارزه را به نتیجه نهائی برسانند.

کارگران پیمانی شرکت نفت از مدت‌ها پیش بارها برای حل مسائل و مشکلات و رسیدگی به خواسته‌های برحق خود با مسئولین شرکت نفت و وزارت کار تماس گرفته بودند. اما از این مذاکرات نتیجه‌ای نگرفتند. وعده های وزارت کار و شرکت نفت برای آوردن خواسته‌های آنها چیزی جز وعده و وعید تو خالی از کار دریا نماند. دلیل آنهم روشن است.

تجلی همبستگی خلق کرد

در راهپیمایی ۱۲۵ کیلومتری سنجین-مرویان جمعه پنجم مردادماه راه پیمایی ۱۲۵ کیلومتری مرویان نفر از مردم سنجین به طرف مرویان آغاز شد.

در اعلامیه‌ای که دختر هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در سنجین با این مناسبت انتشار داده آمده است: «... بدنبال

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران کتابهای خود را با آرم مشخصی که قبلاً در «کار» چاپ شده است، منتشر می‌کند.

بدیهی است کتابهایی که این آرم را نداشته باشند از انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نمی‌باشند.

در گ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش